

ارتباط تحکیم بنیان خانواده و ارتقای امنیت زنان (با بررسی محوری لایحه ارتقای امنیت)

نرگس باخدا^۱، بشری عبدخدایی^۲، عباسعلی سلطانی^۳

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول

abdkhodaie@um.ac.ir

^۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

امنیت در مباحث مختلف سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و... به عنوان یکی از عوامل مهم در بقاء و پیشرفت جوامع محسوب می شود. از آنجایی که مهد تربیت و رشد آدمی در دامن زن و محیط خانواده است، بدیهی است که فراهم کردن امنیت در خانواده راه را برای رشد، تعالی و سعادت جامعه نیز فراهم می آورد. جرقه‌ی تدوین اولین قانون یکپارچه در قوانین مدون ایران در حمایت از زنان به عنوان رکن محوری خانواده پس بیانات رهبری با هدف رفع خلأهای قانونی در تأمین امنیت زنان به ویژه در خصوص مشکلاتی که ناشی از حیات جمعی خانواده است زده شد و نهایتاً لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آن در برابر سوء رفتار تصویب گردید. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردید با وجود تصویب، مخالفان این لایحه با استدلال به فمینیستی بودن این لایحه، عمل به آن را موجب سست شدن پایه‌های خانواده می دانند. از طرفی موافقان با تأکید بر رویکرد عدالت محور بودن اسلام معتقدند این لایحه مبتنی بر مبانی فقهی اسلام است و برخلاف رویکرد اول موجب گرایش زنان به تشکیل و تحکیم نظام خانواده خواهد شد. بررسی تأثیر لایحه ارتقای امنیت بر حفظ کرامت زنان و تحکیم بنیان خانواده می تواند زمینه‌ای برای ضرورت پژوهش و بررسی در خصوص این مطلب در میان مباحث فقهی و شریعت اسلام و قرآن کریم باشد. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیل و جمع آوری اطلاعات به روش اسنادی و با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات و مصاحبه‌ها به بررسی موضوع مورد نظر پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تحکیم بنیان خانواده؛ ارتقای امنیت زنان؛ لایحه ارتقای امنیت؛ سوء رفتار با زنان؛ تدابیر حمایتی زنان

۱. مقدمه

خانواده نخستین و مهم ترین نهاد اجتماعی جامعه ایرانی به شمار می رود و به عنوان ستونی است که جامعه بر آن استوار گردیده است. یکی از نیازهای غیرقابل انکار آدمی برای رشد احساس امنیت است. بدیهی است که فراهم کردن امنیت در خانواده راه را برای رشد،



تعالی و سعادت جامعه نیز فراهم می‌آورد. همچنین در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲) ملاک ایمان ظلم نکردن است و خودداری از ظلم که یکی از مصادیق تأمین امنیت به شمار می‌رود. از آنجایی که اولین و مهد تربیت و رشد آدمی در دامن زن و محیط خانواده است یا به بیان دیگر می‌توان گفت نقش محوری‌ای که زن در امور داخلی خانه ایفا می‌کند و به عنوان پایه، اساس و مربی خانواده شناخته شده و همچنین تأثیری که او در تربیت فرزندان به عنوان افراد جامعه آینده دارد، اهمیت تأمین امنیت زن را دوچندان کرده است تا او با طیب خاطر بتواند به وظایف محوله‌ی خود رسیدگی نماید. با وجود قوانین پراکنده در حمایت از زن و خانواده اما در قوانین مدون نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون هیچ قانون یکپارچه‌ای در حمایت از حقوق آسیب دیدگی زنان به تصویب نرسیده است. در همین خصوص مقام معظم رهبری نیز با تأکید به این مسئله که بسیاری از مشکلات بانوان ناشی از مشکلات حیات جمعی خانواده به حیثی که زن در آن محور است، است، اشاره داشته‌اند که خلأهای قانونی در رابطه با تأمین امنیت زنان به ویژه در خانواده وجود دارد. پس از این بیانات تلاش‌هایی برای پیگیری و پاسخ به مطالبات معظم له انجام گرفت و لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوء رفتار تصویب گردید. این لایحه مشتمل بر ۵۱ ماده و تبصره‌های ذیل آن‌ها در سه محور اصلی پیشگیری، حمایت و جرم انگاری کیفری و مجازات تنظیم شده است. هدف این لایحه تمرکز بر بازدارندگی و پیشگیری و همچنین ارتقای امنیت روانی زنان در محیط خانواده و مهارت افزایی و توانمندسازی اقتصادی زنان آسیب دیده است.

این لایحه مخالفان و موافقانی دارد که می‌توان مخالفان را به دودسته تقسیم نمود. دسته‌ای معتقدند این لایحه فمینیستی است و باعث سستی بنیان خانواده می‌شود و دسته‌ای دیگر معتقدند این لایحه ناقص است و در مقام بیانیه‌ای است که در مورد بسیاری از مشکلات زنان صحبتی نکرده است. موافقان با تأکید بر رویکرد عدالت محور بودن اسلام معتقدند این لایحه مبتنی بر مبانی فقهی اسلام است. با توجه به رویکرد قانون اساسی مبنی بر پشتوانه فقهی قوانین مدون در جمهوری اسلامی ایران این نوشتار بر آن است که مبانی فقهی دو مورد از مواد لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آن در برابر سوء رفتار را مورد بررسی قرار دهد و به ارتباط حفظ امنیت زن و تبع آن تحکیم بنیان خانواده با محوریت لایحه امنیت پردازد.

۲. روش و پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه لایحه

هرچند در بعضی از اصول قانون اساسی و موادی از قانون مجازات اسلامی و ... به صورت پراکنده حمایت‌هایی در رابطه با حقوق زنان به عمل آمده است؛ اما اولین جرعه‌های تدوین قانونی برای حمایت خاص بانوان از جلسه دیدار رهبری در سال ۹۰ کلید خورده است. مقام معظم رهبری در نشست اندیشه‌های راهبردی به صراحت تأکید داشتند که به نظر خیلی از مشکلات بانوان ناشی از مشکلات حیات جمعی خانواده به حیثی که زن در آن محور است، است. یکسری خلأ قانونی در رابطه با تأمین امنیت زنان به ویژه در خانواده داریم و



پس از این بیانات تلاش‌هایی برای پیگیری و پاسخ به مطالبات معظم له انجام گرفت و پیش‌نویس لایحه‌ای توسط معاونت وقت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در سال ۹۰ تدوین گردید که حدوداً ۹۳ ماده داشت و طی یک سال یعنی تا سال ۹۱، بارها اصلاح گردید و سپس به مجلس تقدیم شد. پس از آن در سال ۱۳۹۲ به دلیل تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی جدید ایجاد شده بود، در متن لایحه امنیت نیز اصلاحات عمده‌ای انجام گرفت و مجدداً در اردیبهشت ۱۳۹۶ از معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به دولت ارسال گردید تا در جلسات مشترک دولت و قوه قضائیه به علت ماهیت قضایی برخی مواد مطرح و بررسی شود. در شهریور ۱۳۹۸ لایحه با ایجاد تغییراتی به تأیید قوه قضائیه رسیده و به دولت ارجاع شد. شایان ذکر است که این لایحه با اسامی مختلف در طول مدت ۳ دولت و ۲ دوره قوه قضائیه و یک دوره مجلس بارها مورد بازبینی و تغییر قرار گرفته. رهبری بار دیگر در مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۴ ضمن بیان نظرات و مواضع اسلام درباره مسئله بانوان و خانواده خاطرنشان کردند اینکه در بعضی خانواده‌ها با تکیه بر توان جسمی مرد به زن ظلم می‌شود راه حل این است که باید وضع قوانین مربوط به داخل خانواده آن قدر محکم و قوی باشد که هیچ مردی قادر به ظلم کردن به زن نشود.

در نهایت کلیات این لایحه با نام «لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آن در برابر سوء رفتار» به صورت یک فوریتی (یک فوریت آن در جلسه علنی ۲۹ اردیبهشت سال ۱۴۰۰ تصویب شده بود)، در بیستم فروردین ماه سال ۱۴۰۲ هجری شمسی با ۱۹۰ رأی موافق، ۴۵ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۶ نماینده حاضر در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت آراء تصویب گردید.

این لایحه در قالب ۵ فصل مشتمل بر ۵۱ ماده و تبصره‌های ذیل آن‌ها در سه محور اصلی پیشگیری، حمایت و جرم انگاری کیفری و مجازات تنظیم شده است. فصول پنج‌گانه عبارت‌اند از: قواعد عمومی، تدابیر حمایتی و پیشگیرانه، نظارت و پایش، جرائم و مجازات و آیین دادرسی تقسیم شده و در ذیل هر بخش موادی در جهت ارتقای امنیت بانوان مطرح گردیده است.

۲-۲- روش‌شناسی

روش‌شناسی این پژوهش مشتمل بر چند مورد به شرح ذیل است.

این تحقیق از جهت هدف (بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای و ...) کاربردی بوده و همچنین در بیان شیوه گردآوری اطلاعات باید گفت از کتابخانه‌های تخصصی و عمومی دانشگاه و همچنین منابع اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتال استفاده شده است و از جهت متد بحث نیز توصیفی تحلیلی است. در این جستار به تبیین، تطبیق و بیان ادله آراء فقهی در ذیل عنوان پرداخته شده است.

۲-۳. مفهوم‌شناسی



در این بخش که مفهوم‌شناسی نام گرفته است، به بررسی معانی واژگان کرامت و امنیت که مباحث اصلی این نوشتار را تشکیل داده است، می‌پردازیم.

کرامت: کرامت از ریشه‌ی (ک ر م) به معنای سخاوت و در مقابل پستی قرار می‌گیرد؛ و صفت آن کریم است. زمانی که صفت کرامت به شخصی نسبت داده می‌شود به این معنی است که او سخاوتمند است: یعنی او عزیز و ارجمند است. خداوند متعال فرمود: *إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ* (حجرات، ۱۳) همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، یعنی: بهترین، گرامی‌ترین و بالاترین مقام نزد خداوند: باتقواترین آدمیان است. (حمیری، ۱۴۲۰) لغویان در تعریف این واژه بیان کرده‌اند که آن احترام و اعتباری که شخص در نزد دیگران شایسته دریافت آن است، کرامت گفته می‌شود و با عباراتی مانند «هر انسانی کرامت دارد» و «کرامت او را حفظ کنید» به این مفهوم اشاره کرده‌اند. (المنجد، ۲۰۰۰) تجلیل، تعظیم، قدردانی و احترام از جمله شیوه‌هایی در اکرام اشخاص است. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴). از جمله روایاتی که در مسئله حفظ کرامت زن به نقل از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) آمده، این است که حق فرزند بر پدر، محترم و گرامی داشتن مادر در حضور فرزند است (کلینی، ۱۳۸۷).

امنیت: امنیت از ریشه (ا م ن) به معنای امان (ابن منظور، ۱۴۱۴) و مخالف ترس است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵) و به معنای بی‌خوفی و بی‌بیمی است. (دهخدا، ۱۳۳۴) واژگانی مانند «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» از این واژه مشتق شده است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف، تعریف شده‌اند (جوهری، ۱۴۰۴) و تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک بوده است. تعریف امنیت دارای دو بعد ایجابی و سلبی است؛ از یک سو، اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر، فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که نتیجه آن آرامش و اطمینان است. امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی هم هست. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۴) امنیت به‌عنوان موضوعی مهم که مبنایی توحیدی دارد، در شریعت و نظام اسلامی در مباحث مختلف سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و ... به کاررفته است. این نعمت الهی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: *فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ* (قریش، ۳ و ۴) و به دلیل اینکه انسان در امنیت قرار گرفته، به او منت گذاشته شده است.

۳. بررسی مصادیق حمایت از خانواده و زن در قانون ارتقای امنیت

۳-۱. ترک انفاق

ماده سی و سوم از لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار بیان می‌دارد: «هرگاه زوج، همسر خود را از محل زندگی مشترک بیرون کند یا به نحوی از ورود وی به منزل جلوگیری نماید، به حبس یا جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌گردد».



در نظام حقوقی اسلام زوجیت یکی از اسباب سه گانه ثبوت نفقه است و در نظام حقوقی ایران نیز که مبتنی بر فقه جعفری است وظیفه تأمین مخارج به طور کلی بر عهده ی زوج است و او باید مخارج زوجه (خوراک، پوشاک، مسکن و ...) را تأمین نماید. چنانچه زوجه خود شاغل و دارای حقوق باشد، می تواند حقوق دریافتی را ذخیره کرده و به هیچ وجه از آن برای مخارج خود و خانواده استفاده نکند. اگر زوج برای مدتی نفقه زن را پرداخت ننماید، مدیون زوجه بوده و او می تواند نفقه معوقه را مطالبه نماید و این دین جزء دیون ممتازه محسوب می شود (مهرپرور: ۴۳) در این خصوص هم فقها در کتب فقهی به طور مفصل با استناد به آیات و روایات به این مسئله پرداخته اند. لزوم پرداخت نفقه مختص به عقد دائم بوده و منوط به شرط تمکین از ناحیه زوجه است.

در قرآن کریم از نفقه به عنوان یکی از حقوق تعیین شده برای زنان که بر عهده ی مردان است، یاد شده که در بعضی آیات به صورت صریح و در بعضی به طور ضمنی بر وجوب پرداخت آن تأکید شده است. خداوند در آیه سی و چهارم سوره مبارکه مائده می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...»^۱ مردان سرپرست و کارگزار زنان هستند و از آنجاکه خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی نیازمند سرپرست است، قرآن کریم از مردان با این عنوان یاد می کند و مقام سرپرستی را به واسطه بنیه و نیروی جسمی غالب نسبت به زنان و همین طور در مقابل تعهداتش نسبت به تأمین مایحتاج و پرداخت نفقه همسر به او اگذار می نماید. (مکارم، ۱۳۷۴)

و در آیه هفتم از سوره طلاق نیز می فرمایند: «لَّيْنَفِقُ دُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ...»^۲ در اینکه آیا دستور این آیه تنها در مورد زنانی است که پس از طلاق شیردهی به کودکشان را بر عهده می گیرند است یا مربوط به ایام عده یا به طور کلی پرداخت نفقه، نظرات متفاوت است اما باید گفت نظر اخیر مناسب تر بوده (مکارم، ۱۳۷۴) و فرمان این آیه که هرکسی به قدر توان خود به همسرش انفاق کند، هم شامل ایام عده می شود، هم شامل ایام شیر دادن همسر طلاق داده شده و هم شامل هر زمان دیگر. (قرائتی، ۱۳۷۵)

آیه دویست و سی و سه سوره بقره بیان می دارد: «...وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»^۳ و در این آیه پدران (صاحب اولاد) را مکلف به پرداخت نفقه به نحو تأمین خوراک و پوشاک مادران به صورت شایسته می نماید.

^۱ _ «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند، پس زنان شایسته مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ (حقوق آنها) باشند از آن رو که خدا هم (حقوق زنان را) حفظ فرموده است...»

^۲ «مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه (زن شیرده) دهد و آن که نادار و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند»

^۳ _ «...و به عهده صاحب فرزند است (پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد...»



با توجه به آیه «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) هر یک از زوجین بر دیگری حقی دارد و یکی از حقوق زن بر مرد این است که با آنها به طور شایسته رفتار شود که از مصادیق معروف نفقه، مهریه و ... است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳)

همچنین روایات متفاوتی در باب نفقه و نحوه و کیفیت پرداخت آن رسیده است؛ از جمله:

۱- صحیحہ فضیل بن یسار از امام صادق (علیه السلام): به زن برای خرج روزمره و لباس نفقه داده شود... (حر عاملی، ۱۴۱۶)

۲- صحیحہ سعد بن ابی خلف از امام موسی کاظم (علیه السلام): «زوجه در عده طلاق رجعی در منزل زوج می ماند و برای

او تا زمان انقضای عده حق نفقه و سکونت باقی است.» (حر عاملی، ۱۴۱۶)

مجموع روایات در بیان لزوم پرداخت نفقه به زوجه است و مرد موظف است از مقداری که خداوند به او روزی عطا نموده، نیازهای همسرش را نیز مرتفع کند؛ در خصوص زنی که شوهرش او را طلاق داده، اعلام می دارد در طول عده طلاق، به او نفقه تعلق می گیرد و مرد این حق را ندارد تا پایان عده او را از منزل بیرون نماید پس به طریق اولی نفقه در مورد زنی که در علقه زوجیت مرد است، صدق می کند. با توجه به اینکه بنیان خانواده بسیار حائز اهمیت است و حتی در روایتی بنیان خانواده به بنایی مستحکم و دوست داشتنی در نزد خداوند متعال تشبیه شده است، آنجا که پیامبر اسلام حضرت محمد (صل الله علیه و آله) می فرمایند: «مَا بُنِيَ بَنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّزْوِيجِ» (حر عاملی: ۱۴۱۶) اما باین وجود در صورتی که مرد از انجام این واجب مهم به همسرش امتناع کند و شرایط را برای طرف مقابلش سخت و طاقت فرسا نماید به نحوی که تحمل آن ممکن نباشد، حاکم می تواند با توجه به اختیاراتش، زن را مطلقه نماید.

فقها از نفقه به عنوان حقی از حقوق زوجه که پرداخت آن توسط زوج واجب است یاد می کنند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲) و آن را شامل خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه متناسب با حال زوجه باشد، بیان می کنند. (صاحب جواهر، ۱۲۶۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳)

شیخ طوسی در المبسوط بیان می دارند: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مُوسِرًا بِالنَّفَقَةِ، فَمَنْعُهَا مَعَ الْقُدْرَةِ، كَلْفُ الْحَاكِمِ الْإِنْفَاقَ عَلَيْهَا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَجْبَرَهُ عَلَى ذَلِكَ، فَإِنْ أَبَى حَبَسَهُ أَبَدًا حَتَّى يَتَّفَقَ عَلَيْهَا وَلَا خِيَارَ لَهَا» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷) ایشان بر این اعتقادند در صورتی که زوج امکان پرداخت نفقه داشته باشد و باین حال از ادای آن امتناع کند، حاکم او را مکلف به پرداخت می کند و در صورت امتناع مجدد، او را حبس می نماید تا نفقه ی زوجه را بپردازد.

محقق حلی در شرایع الاسلام بیان می دارند: «فَضَابِطُ الْقِيَامِ بِمَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامٍ وَ إِدَامٍ وَ كَسَوَةٍ وَ إِسْكَانٍ وَ إِحْدَامٍ» (محقق حلی، ۱۴۰۸)



علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام بیان می‌دارند: «الواجب فی النفقة ستة: الطعام والإدام والإخدام والكسوة وآلة التَّنظيف والسكنی». (علامه حلی، ۱۴۲۰)

در باب نفقات شهید در کتاب روضه البهیة بیان می‌دارند: «النظر الثاني فی النفقات وأسبابها ثلاثة: الزوجية؛ والقراءة البغضیة و الملك. [الأول: تجب نفقة الزوجة بالعقد الدائم] فالأول: تجب نفقة الزوجة بالعقد الدائم دون المنقطع سواء فی ذلك الحرية والأمة المسلمة و الكافرة بشرط التمکین الكامل و هو أن تخلی بینہ و بین نفسها قولا و فعلا فی كل زمان و مكان يسوغ فيه الاستمتاع فلو بذلت فی زمان دون زمان، أو مكان كذلك يصلحان للاستمتاع، فلا نفقة لها و حیث كان مشروطا بالتمکین». (شهید ثانی، ۱۴۱۰) ایشان نفقه را در غذا، خوراک، خادم، لباس، وسایل نظافت و مسکن واجب می‌دانند.

صاحب جواهر نیز معتقدند: «و أما الكلام فی قدر النفقة فضابطه القيام بما تحتاج المرأة إليه من طعام و إدام و كسوة و إسكان و إخدام و آلة الادھان تبعا لعادة أمثالها من أهل البلد» (صاحب جواهر، ۱۲۶۶)

نحوه‌ی مجازات زوج در صورت عدم پرداخت نفقه و ترك انفاق زوجه، در ذیل مباحث تعزیرات بررسی می‌شود. تعزیر مجازاتی است که در شرع برای آن مقداری تعیین نشده است و تأدیبی است که خداوند تعالی آن را تعبداً وضع کرده به جهت اینکه تعزیر شونده و دیگر مکلفین را از ارتکاب عمل منع شده (عمل یا ترك عملی قبیح) صرف نظر از صغیره یا کبیره بودن گناه بازدارد و آنان را وادار به انجام وظایف خود نماید. (حلبی، ۱۴۰۳؛ طباطبایی، ۱۴۰۴)

بعضی از فقها دایره تعزیر را توسعه داده و آن را شامل ترك تکالیف اجتماعی نیز دانسته و می‌گویند حکومت اسلامی برای تنبیه متخلفین می‌تواند مجازات‌هایی متناسب با جرائم ارتكابی را بر حسب شرایط تعیین نماید. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷؛ حلبی، ۴۱۷؛ ابن ادریس، ۱۳۸۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۴)

لذا می‌توان گفت هر فعلی که از ناحیه شارع واجب شده است، ترك آن حرام و ممنوع و هر فعلی که از آن نهی شده است، انجام آن ممنوع و حرام است و خداوند وعده مجازات اخروی و عقاب در روز قیامت را برای ارتكاب آن‌ها داده است؛ و همچنین اعمال دیگری نیز که شرعاً نهی مشخصی درباره‌ی آن‌ها وارد نشده است؛ ولی ممکن است ارتكاب آن‌ها از سوی مردم، مفاسدی در جامعه داشته باشد که حکومت باید به منظور حفظ نظم اجتماعی و حقوق عامه و مصالح عمومی، از ارتكاب آن‌ها جلوگیری کند. این دسته از اعمال گرچه از نظر شرعی هیچ نهی و ممنوعیت صریحی ندارند، ولی نظام اسلامی به منظور صیانت اجتماع می‌تواند آن‌ها را ممنوع کرده و برای مرتکبین مجازات معین نماید. (محقق داماد، ۱۳۸۳)

در نتیجه می‌توان گفت با توضیحاتی که در باب ادله وجوب انفاق داده شد، واضح است که یکی از تکالیف شرعی زوج لزوم انفاق است و یکی از حقوق زوجه به حساب می‌آید. از آنجا که تهیه مسکن برای زوجه جزئی از تکلیف زوج مبنی بر پرداخت نفقه است و

ترک آن به این صورت که خانه‌ای برای زوجه فراهم نکند یا اینکه او را از منزل مشترک بیرون کند، مصداق ترک انفاق است که مورد نهی و مذمت واقع شده است حتی در مواردی به حاکم این اجازه داده شده تا بتواند زوجه را مطلقه نماید. در صورت عدم انجام این تکلیف شرعی و آثار سوء اجتماعی این موضوع، از جمله سلب امنیت و آسایش روانی زوجه، حکومت اسلامی با توجه به اطلاق قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» و «التعزیر بما یراه الحاکم» می‌تواند مجازات‌های بازدارنده‌ای را در راستای جلوگیری از ارتکاب این عمل و آثار آن در نظر بگیرد؛ لذا می‌توان مفاد ماده سی و سوم لایحه را بر این مبنا استوار ساخت.

۲-۳. نکاح اکراهی

در صدر ماده سی و چهارم لایحه فوق‌الذکر بیان می‌گردد: «هر کس از جمله ولی وصی، قیم و سرپرست بدون رضایت زن، وی را به هر دلیل مانند حل و فصل اختلافات از جمله خون بس اکراه به ازدواج با دیگری نماید یا به دلایل مذکور او را وادار به درخواست طلاق از مراجع قضایی کند و یا اینکه بدون اطلاع زن، او را به عقد دیگری درآورد به حبس یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. زوج نیز در صورت علم به وضعیت ازدواج یا عقد مزبور مشمول مجازات مذکور می‌شود».

اکراه از ریشه (ک ر ه) در لغت به معنای وادار کردن دیگری به کاری درحالی که او کراهت دارد، است (فراهیدی، ۱۴۲۱) و فقها نیز اکراه را در همان معنای لغوی و عرفی به کار برده‌اند. شیخ انصاری در تعریف اکراه بیان می‌دارند: «إِنَّ حَقِيقَةَ الْإِكْرَاهِ لُغَةً وَ عَرَفًا حَمْلُ الْغَيْرِ عَلَى مَا يَكْرَهُهُ» (انصاری، ۱۴۱۵)

باید گفت اکراه در یک تقسیم کلی به دودسته تقسیم می‌شود:

الف) اکراه به حق، مراد فقها از این قسم اکراه مشروع است مانند اینکه قاضی به مدیون تنگدست، فرمان دهد که دارایی‌اش را بفروشد تا طلبکاران بتوانند حقشان را بگیرند. در این مورد اکراه به حق است و مانع از انجام بیع نیست و باوجود اکراه معامله صحیح تحقق پیدا می‌کند و نافذ است

ب) اکراه به غیر حق، منظور اکراه انسان ظالم و زورگویی است که دیگری را بر انجام کار حرام یا ترک واجب، ایجاد عقد یا ایقاع وادار می‌کند. اکراه حرام است و در بعضی از موارد اگر «مکره علیه» از گناهان کبیره باشد اکراه نیز از گناهان کبیره است مانند اکراه بر قتل نفس، بر زنا و ... چنانکه در ابتدای آیه ۳۳ سوره نور صریحاً از اکراه به حرام نهی کرده است و نهی ظهور در حرمت دارد و از آنجاکه اختیار یکی از شرایط عامه همه تکالیف است، مکره در مواردی که اکراه شده است به جز در قتل نفس تکلیفی ندارد. (عبداللهی، ۱۳۸۳)



مورد بحث، قسم دوم از تقسیم (اکراه به ناحق) است. اکراه به ناحق چنانچه بر ارتکاب فعل حرام یا ترک واجبی باشد که فقها شرط تحقق آن را عجز از تخلص از تهدید مکره می دانند، قطعاً حرام است اما اکراه به ناحق در عقود که شرط تحقق آن تنها عدم رضایت به معامله است، علاوه بر عدم اثر وضعی (بطلان یا عدم نفوذ) بحث در این است که آیا دارای اثر تکلیفی هست یا خیر؟ با توجه به اینکه نکاح در فقه جزئی از عقود به شمار می رود و صحت آن نیازمند شرایط و ارکان عمومی صحت معامله است؛ از جمله قصد و رضای طرفین و اهلیت آن‌ها، مشروعیت جهت معامله و... که در صورت انتفای هر یک از شروط عقد دچار تزلزل شده و نفوذ آن به مشکل مواجه خواهد شد.

همان طور که بیان شد لازم است در زمان انعقاد عقد نکاح مانند سایر عقود طرفین رضایت کامل داشته باشند.

از جمله ادله عام در شرط رضایت افراد در عقود و همچنین به طور خاص در عقد نکاح می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. «... إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...» (نساء، ۲۹)

۲. روایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه» (حر عاملی، ۱۴۱۶)

۳. روایت ابن عباس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ما رواه ابن عباس أیضا «أَنَّ جَارِيَةَ بَكْرَا جَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَتْ: إِنَّ أَبِي زَوَّجَنِي مِنْ ابْنِ أَخٍ لَهُ لِيرْفَعُ خَسِيْسَةً وَ أَنَا لَهُ كَارِهَةٌ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَجِيزِي مَا صَنَعَ أَبُوكَ، فَقَالَتْ: لَا رَغْبَةَ لِي فِيمَا صَنَعَ أَبِي، قَالَ: فَادْهَبِي فَاَنْكَحِي مَنْ شِئْتَ، فَقَالَتْ: لَا رَغْبَةَ لِي فِي غَيْرِ مَا صَنَعَ أَبِي وَ لَكِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَعْلَمَ النِّسَاءَ أَنَّ لَيْسَ لِلْأَبَاءِ فِي أُمُورِ بَنَاتِهِمْ شَيْءٌ» (ابن ماجه، بی تا؛ نسائی، ۱۴۰۶)

۴. روایت صحیحہ برید بن معاویه از امام باقر (علیه السلام)

و منها: حسنۃ الفضلاء، الفضیل بن یسار و محمد بن مسلم و زرارة و برید، عن الباقر علیه السلام، قال: «المرأة التي ملكت نفسها، غیر السفیهة و لا المولکة علیها، ان تزویجها بغیر ولی جائز» (کلینی، ۱۳۸۷؛ طوسی، ۱۳۶۵؛ طوسی، ۱۳۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۶)؛ بنابراین روایت زنی که صاحب اختیار خود باشد، در صورتی که سفیه نبوده و سرپرستی بر او نباشد، خودش می تواند ازدواج کند.

۵. صحیحۃ منصور بن حازم از امام الباقر (علیه السلام)

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَجْذُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تُسْتَأْمَرُ الْبُكَرُ وَ غَيْرُهَا وَ لَا تُنْكَحُ إِلَّا بِأَمْرِهَا» (طوسی، ۱۳۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۶). بعضی ها از این استفاده کردند که نه تنها این روایت استقلال دختر را اثبات می کند، بلکه استقلال پدر را نفی می کند، از عبارت «تُستأمر البکر و غیر البکر و غیرها و لا تنکح الا بأمرها» برداشت می شود که فقط و فقط امر خود دختر دخالت دارد، دیگر امر پدر و یا حد پدری اصلاً مداخلت ندارد، لا تنکح الا بأمرها، به



نظر می‌رسد این صحیحیه در این مطلب دلالت دارد، پس این صحیحیه هم به درد اثبات این می‌خورد که خود دختر ولایت دارد و هم به درد اثبات این می‌خورد که پدر ولایت ندارد. (حسینی فقیه، ۳۰/۰۸/۱۴۰۱)

۶. روایت زراره از امام باقر (علیه‌السلام)

«وَيَسْنَادُهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَمِثَمِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا كَانَتْ الْمَرْأَةُ مَالِكَةً أَمْرَهَا تَبِيعُ وَتَشْتَرِي وَتُعْتِقُ وَتُشْهَدُ وَتُعْطَى مِنْ مَالِهَا مَا شَاءَتْ فَإِنْ أَمَرَهَا جَائِزٌ تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ بِغَيْرِ إِذْنٍ وَلِيِّهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَا يَجُوزُ تَزْوِيجُهَا إِلَّا بِأَمْرِ وَلِيِّهَا» (طوسی، ۱۳۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۶) با توجه به اینکه سلسله راویان به طور کامل مشخص نبوده و همچنین یکی از راویان حدیث به نام موسی بن بکر باوجود ثقه بودن غیر امامی است، این روایت ضعیف به شمار می‌آید (طوسی، ۱۴۲۷).

مقدس اردبیلی در بیان شرایط کلی عقد، اختیار را در صحت آن شرط دانسته و اکراه را موجب عدم صحت عقد می‌دانند (مقدس اردبیلی، بی‌تا) محقق کرکی رضایت را در زمان انعقاد عقد مؤثر دانسته‌اند و معتقدند رضایت پس از انعقاد عقد، موجب صحت و نفوذ نخواهد بود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴)

با جستجو در کلام فقها، مطلبی مبنی بر تعیین حکم تکلیفی و تعزیر برای اکراه کننده بر عقد نکاح به دست نیامد و تنها در بیانات مختلف مقام معظم رهبری به عنوان فقیه جامع‌الشرایط و حاکم شرع اسلامی سخنان بر لزوم تعیین مجازات و برخورد با این ناهنجاری اجتماعی که موجب سلب حقوق آزادی و اختیار زن می‌شود، وجود دارد.

رهبر معظم انقلاب وادار نمودن دختران به ازدواج زودهنگام را نکوهیده می‌دانند و آن را ناسازگار با احکام اسلامی بیان می‌کنند. ایشان در یکی از سخنرانی‌ها بیان می‌فرمایند: «واداشتن دختران کم سن و سال به ازدواج، حرکتی در جهت تضعیف زن و نادیده گرفتن حقوق اوست و قانون باید با آن مقابله کند و زنان نیز با آگاهی، هوشیاری و رشد و معرفت خود در مقابل این گونه تعدیات بایستند». (بیانات رهبری در مورخه ۲۹/۱۱/۱۳۷۶)

ایشان در مناسبتی دیگر بیان می‌دارند: «به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند؛ یعنی حتی برادران زن، پدرزن -خویشاوندان دورتر که جای خود دارند- اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص موردنظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است». (بیانات رهبری در مورخه ۲۰/۱۲/۱۳۷۵)

واضح است که اکراه هر یک از طرفین به عقد تعدی بر حقوق افراد بوده که از جمله محرمات به شمار می‌رود و از مصادیق سلب آزادی و حق انتخاب است که از حقوق اولیه انسانی است.



اعمال حرام و مورد مذمت در نزد شارع، با توجه به نحوه مجازات، به انواعی از جمله حدود، دیات و تعزیرات تقسیم شده‌اند. دسته‌ای از اعمال که شرعاً نهی مشخصی درباره‌ی آن‌ها وارد نشده است؛ ولی ممکن است ارتکاب آن‌ها از سوی مردم، مفساد و پیامدهای سوئی از جمله اذیت و آزار مردم و سلب امنیت و حقوق آنان در جامعه داشته باشد که حکومت ناچار است به منظور حفظ نظم اجتماعی و حقوق عامه و مصالح عمومی، از ارتکاب آن‌ها جلوگیری کند. این دسته از اعمال گرچه از نظر شرعی هیچ نهی و ممنوعیت صریحی ندارند، ولی نظام اسلامی به منظور صیانت اجتماع می‌تواند آن‌ها را ممنوع کرده، برای مرتکبین مجازات معین نماید. اگر نظام اسلامی تشخیص دهد که عملی شرعاً نهی صریح ندارد، اما می‌توان با توجه به مصالح موجود در جامعه، آن را تحت پوشش یکی از اعمال منهی قرار داد، در این صورت، آن عمل ممنوع است و مجازات خواهد داشت. (محقق داماد، ۱۳۸۳)

لذا می‌توان گفت اکراه بر نکاح از باب قاعده حرمت تعدی به حقوق دیگران و گرفتن حقوق اساسی انسان و قاعده تعزیر «التعزیر لکل عمل محرم» قابلیت تعیین مجازات را دارد و بر این اساس اگر شخصی حتی ولی زن او را به نکاح اکراه کند درحالی که نه تنها مصلحتی برای او ندارد بلکه انگیزه از این عقد، حل و فصل اختلافات باشد، می‌توان اکراه کننده را به جهت عمل حرامی که انجام داده و از واضحات است که مغایر با حفظ کرامت انسانی زن است، مجازات نمود و می‌توان مجازات تعیین شده در ذیل ماده سی و چهارم را علاوه بر دلایل بیان شده بر گرفته از بیانات رهبری توجهاً به حدود اختیارات ایشان دانست.

۴. نتیجه‌گیری

رویکرد عدالت محور دین اسلام، لزوم حفظ کرامت انسانی و توجه ویژه به زن به موجب نقش محوری او در خانواده، وجود برخی سنت‌های غلط در کشور که گرچه نرخ شیوع بالایی ندارد اما در شأن و کرامت زن ایرانی نیست و ... باعث احساس نیاز به حمایت قانونی ویژه و تدوین قانون در جهت ارتقای امنیت زنان گردیده است. این لایحه با رویکرد عدالت ترمیمی در سه بخش اقدامات حاکمیت برای حمایت از زنان آسیب دیده، تدابیر پیشگیرانه و تدابیر حقوقی و قضایی تدوین گردیده است و در بعضی مسائل جرم انگاری صورت گرفته و حتی در مواردی هم تشدید مجازات نسبت به قوانین قبلی اعمال شده است. لایحه مذکور با عنایت به محورهای مورد تأکید مقام معظم رهبری تدوین شده است.

با بررسی‌های انجام شده در ماده سی و سوم از لایحه موردنظر و توضیحاتی که در باب ادله و جوب اتفاق داده شد، مشخص گردید که وجوب اتفاق به عنوان تکلیف شرعی بر عهده زوج است و تهیه مسکن برای زوجه جزئی از تکلیف زوج به شمار رفته و عدم ایفای تکلیف در صورت تمکن، مصداق ترک اتفاق است که مورد مذمت قرار گرفته است. با توجه به اینکه لزوم اتفاق به زوجه از آن جهت است که دغدغه مالی و مادی برای او وجود نداشته باشد تا با طیب خاطر به سایر وظایفش بپردازد، در صورت عدم انجام این تکلیف



شرعی توسط زوج، آثار سوء اجتماعی این مسئله از جمله عدم وجود مکان مناسب برای سکونت وی، سلب امنیت و آسایش روانی زوج و ... گریبان گیر او خواهد بود.

همچنین در ماده سی و چهارم لایحه نیز بررسی شد که اگرچه بر نکاح از باب قاعده حرمت تعدی به حقوق دیگران و گرفتن حقوق اساسی انسان و قاعده تعزیر «التعزیر لکل عمل محرم» قابلیت تعیین مجازات را دارد و بر این اساس اگر شخصی حتی ولی زن او را به نکاح اکراه کند در حالی که نه تنها مصلحتی برای او ندارد بلکه انگیزه از این عقد، حل و فصل اختلافات باشد، می توان اکراه کننده را به جهت عمل حرامی که انجام داده و از واضحات است که مغایر با حفظ کرامت انسانی زن است، مجازات نمود.

حاکمیت اسلامی به موجب اطلاق قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» و «التعزیر بما یراه الحاکم» می تواند مجازات های بازدارنده ای را در راستای جلوگیری از ارتکاب اعمال حرام و آثار آن در نظر بگیرد؛ لذا می توان مفاد ماده سی و سوم و سی و چهارم لایحه را بر این مبنا استوار ساخت.

باید گفت در دوران معاصر که چالش های جدی پیش روی نظام حقوقی خانواده قرار گرفته است و جوانان را خاصه زنان را بر مبنای دیدگاه های فمینیستی تشویق به زندگی مستقل و عدم تن دادن به ازدواج نموده است، تأمین امنیت گامی مهم در راستای تشویق ایشان به تشکیل نظام خانواده و در مرحله بعد حفظ و تحکیم آن خواهد بود.

۵. منابع

قرآن کریم

ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (چاپ دوم)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی تا) سنن ابن ماجه. دار احیاء الکتب العربیة

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب (چاپ سوم)، بیروت: دار صادر

ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. (بی تا). الکافی فی الفقه (چاپ اول). اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامه

انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵). المکاسب (چاپ اول). قم: تراث الشیخ الأعظم

بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۳۶۳). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (چاپ اول). قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم.

مؤسسه النشر الاسلامی

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۰). ترمینولوژی حقوق (چاپ یازدهم). تهران: کتابخانه گنج دانش

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴). الصحاح (چاپ سوم). بیروت: دار العلم للملایین



ISC
03231-82735



سومین همایش ملی
تحکیم و تعالی بنیان خانواده

The Third Conference on Strengthening and Excelling the Foundation of Family

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث

- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولم (چاپ اول). دمشق: دار الفکر
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (چاپ اول). قم: مکتبه الداوری
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (چاپ اول). قم: موسسه المعارف الاسلامیه
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۲۶۶). جواهر الکلام (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد. (۱۴۰۴). ریاض المسائل (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۳). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة
- عبداللهی علی بیگ، حمیده. (۱۳۸۳). قاعده اکراه. فصلنامه دانشکده الهیات و معارف مشهد، ۶۴، ۹۲-۶۱.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه (چاپ اول). قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۱). العین. بیروت: دار ومکتبه الهلال
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵). القاموس المحيط (چاپ اول)، بیروت: دار الکتب العلمیة
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ۱۳۵۸
- قزائتی، محسن. (۱۳۷۵). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). الکافی (چاپ اول). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
- لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (چاپ اول). قم: اسماعیلیان
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۳). قواعد فقه ۴ (چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القوائد. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول). بیروت: دار الفکر
- معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی معین (چاپ دوم) تهران: اشجع
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان (چاپ اول). قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (چاپ بیست و سوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة (۲۰۰۰). بیروت: دار المشرق
نسائی، أحمد بن شعیب. (۱۴۰۶). السنن الصغری للنسائی (چاپ دوم). حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة
هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۲). موسوعه الفقه الاسلامی المقارن (چاپ اول). قم: موسسه دایره المعارف اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

بیانات رهبری قابل دسترسی در سایت www.Khamenei.ir
جزئیات لایحه ارتقای امنیت زنان. (۱۴۰۲) قابل دسترسی در سایت <https://tejaratnews.com>
دانشنامه آزاد پارسی. (۱۳۹۸). لایحه. قابل دسترسی در
سایت <https://wikijoo.ir/index.php/%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AD%D9%87>
درس خارج فقه استاد سید محسن حسینی فقیه. ازدواج باکره بالغه. ۳۰/۰۸/۱۴۰۱ قابل دسترسی در
سایت https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/hoseiny_faqih/feqh/1401/14010830
لغت نامه دهخدا. لایحه. قابل دسترسی در سایت <https://abadis.ir/dehkhoda>
نقاط ضعف و قدرت لایحه امنیت زنان در برابر سوء رفتارها. قابل دسترسی در سایت
<https://www.salamatnews.com/news/353876>